

عنوان مقاله:

تفسیر به رای؛ چپستی و چرایی

محل انتشار:

دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، دوره 1، شماره 2 (سال: 1387)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسنده:

عباس تقویان - استادیار رشته علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق (ع)

خلاصه مقاله:

در بحث روش های تفسیری، مسیله تفسیر به رای پیوسته یکی از لغزشگاه های خطیر در امر تفسیر قرآن بوده است. خاستگاه این موضوع که بعضا با عناوین مشابه دیگری همچون قول به رای یا تکلم به رای از آن یاد می شود، مجموعه روایاتی است که در جوامع روایی و متون تفسیری فریقین نقل شده و همواره اندیشه مفسران را به خود مشغول ساخته است. لحن بسیار تهدیدآمیز این روایات که از یک سو، عامل تفسیر به رای را تا سر حد کفر و مستوجب آتش دوزخ شدن پیش می برد و از سوی دیگر، نتیجه این نوع تفسیر را ولو صحیح، بدون ارزش و اعتبار علمی می داند، هر پژوهشگر مسلمانی را وامی دارد درباره سند و حدود دلالت روایات وارد در این زمینه تامل کند؛ به ویژه آنکه قرآن کریم با تعبیر مختلف نظیر افلا یتدبرون القرآن... (نساء: 82 و محمد: 22) و کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته ولیتذکر الو الالباب (ص: 29) و نظایر آن لزوم تدبر و تعمق در قرآن را به همگان گوشزد می کند. این بدان معناست که ما همان طور که مامور به تدبر در قرآن هستیم، باید خود را از آفت هولناک تفسیر به رای در امان نگاه داریم. مطمینا اگر معنای تفسیر به رای واکاوی شود، خود به خود مفهوم صحیح تفسیر و تدبر در قرآن روشن خواهد شد. این جستار بر آن است که به دو سوال اساسی زیر پاسخ گوید: الف. روایات ناهی از تفسیر به رای و نظایر آن تا چه حد دارای اعتبار است ب. حدود دلالت این روایات و وجه تمایز تفسیر به رای از تدبر مورد تاکید قرآن چیست

کلمات کلیدی:

قرآن، تفسیر، روش های تفسیری، تفسیر به رای، تفسیر عقلی، تفسیر اجتهادی، تدبر در قرآن

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/834155>

